إن الله وملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما

الحمد للہ کہ کتاب عجیب و نسخہ غریب در اثبات جواز قرأت دلائل الخیرات وغیرہ مسمی بہ

درود محمدی

مولفہ جناب مولانا حکیم حاجی محمد سلیمان صاحب پھلواروی امر فیضہ بفرمائش منشی عابد حسین صاحب

در نیر پریس الیچی باہتمام مولوی سید الدین صاحب واقع بانکی پور طبع شد

بسم الله الرحمن الرحیم

لک الحمد والیک المشتکی وانت المستعان ولاحول ولاقوة الا بک علیک التکلان - ومنک الصلوة
علی سیدنا محمد وآله وصحبه وعنک الرضوان فیک مطامعی یا جار المستجیرین یا امان الخائفین یا
حرز الضعفاء یا عظیم الرجاء یا حی یا قیوم یا الله یا رحمن اما بعد انعامات جناب باری تعالی شانه
که بر حضرت انسان ارزانی داشته هست چندان نیست که بحیطه زبان و قلم در آید در هر چیز یکه اندکی
تامل کنی نعمتی دیگر بنهجی دیگر دریابی دے اگر در خود بینی نیکو آشکارا گردد که ما هیچ نبودیم و مرا از کتم
عدم بجلوه وجود در آورد چنانکه خود فرموده هست هل اتی علی الانسان حین من الدهر
لم یکن شیئا مذکورا واز چند قطره آب ممزوج در مضغه لحمی روحی دمید و بهر دریافت نیک و
بد و امتیاز خیر و شر قوت سماعت و بینائی بخشید چنانکه فرمود انا خلقناه من نطفة امشاج
نبتلیه فجعلناه سمیعا بصیرا و باز بهر احتراز از ذمائم و ترغیب خصائل حمیده و نصائح
بموعظت حسنه انبیا را از ایشان برگزید چنانکه فرمود هو الذی بعث فی الامیین رسولا
منهم یتلو علیهم ایاته ویزکیهم ویعلمهم الکتب والحکمة - لاسیما از عمده ترین
انعامات بیکرانش این ست که ما بندگان خود را در امت محمدیه و زمره مصطفویه گردانید
ای خدا قربان احسانت شوم + این چه احسان هست قربانت شوم + و کدام امت محمدیه
که رسول آن از الصفات احسن الصفات و برکات عمدة البرکات ممتاز و مفخر فرمود گفت بالمومنین
رؤف رحیم یعنی از رحمتهاے بیکرانه و رافتهاے متوافره خود رسول را هم رحمتی و رافتی بخشیدم

تا بر شما در رحمت برگشاید و بمقتضای وما ارسلنک الا رحمة للعلمین زیاده از مادر و پدر بر شما شفقت
بحال شما نماید و بمفاد آن رحمت و کمال مرابطت النبی اولی بالمومنین من انفسهم گویاند - باز محبت
خود را در اتباع آن رسول و اقتفاء آثار آن مقبول ظاهر کرده و ارشاد شد قل ان کنتم تحبون
الله فاتبعونی یحببکم الله - و چون در امت او از رافت نبوی و اتباع مصطفوی حصول
محبت و رضا خود دریافت پس بخلعت تکریم و خطابی معظم از امت سالفه ممتاز ساخت و
بلقب خیر امة بنواخت فرمود کنتم خیر امة اخرجت للناس تامرون بالمعروف وتنهون
عن المنکر - و هم علو همت رسول و ابلاغ اوامر و نواهی کما هو حقه و اجابت امت او را ملاحظه
فرمود بترقی معارج و انزال رحمت خود حقیقت عبدیه او را بکمال و سمو قربت بتقرب خاص
رسانید و ارشاد شد عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا و امت او را بهر دعاء نزول
رحمت و علو مرتبت او مامور گردانید و ارشاد شد یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما
پس ای برادران صلوة و سلام بر رسول مکرم همین است دعاء نزول رحمت که بدان ماموریم
و ماورای از مامور شدن چه فضیلت ها که ندارد و چه نعمتها که نه بخشد فرمود آن رسول کریم
صلی الله علیه و آله و سلم من صلی علی صلوة صلی الله علیه بها عشرا یعنی هر که یکبار بر من درود بفرستد
الله تعالی بصله آن ده مرتبه بروی رحمت فرستد - ازینجا عظمت و جلالت درود شریف باید دریافت
که درود ستة چهار جمله مستحق بلکه مورد ده رحمت شدی و این رحمت هم کدام رحمت رحمت ربانی
ای عزیز درین عالم برای تقرب سلطانی و لطف بادشاهی چه قدر جد و جهد و سعی مالایطاق بکار
می برند و نیکو می بینی که اکثر خاک نامرادی بر سر می بیزند و بکمال حسرت و فرط تمنا میخوانند
بلا زبان سلطان که رساند این دعا را * که شکر بادشاهی ز نظر مران گدا را * و تو بجلالت چند
از حضرت مالک الملک ذو الجلال والاکرام بتقربی رسیدی که ده رحمت او را مستحق شدی
پس آن وسیله جلیله را که ترا مورد این رحمت کرد چه قدر معظم و مفخم باید دانست - ازینجاست
که فرمود صلی الله علیه و سلم رغم انف رجل ذکرت عنده فلم یصل علی و البخیل الذی

ذکرت عنده فلم یصل علیّ - یعنی بخیل ست آنکس که در ذکر من درود بر من نفرستاد
ای عزیز این بخل فی الواقع کافر نعمتی ست که از حضرت حق در رحمت می کشایند و این کس
سگریز داز این بدنصیبی و شومی بدتر چه چیز ست اللهم احفظنا منه و فرمود رسول مکرم صلی
الله علیه و آله وسلم ان اولی الناس بی یوم القیامة اکثرهم علیّ صلوة - یعنی قریب تر
از من بروز قیامت کسی باشد که بکثرت بر من درود فرستد ای برادر این فضیلت صلوة را
بتعمق نظر و کمال تفکر دیده باید که در کثرت درود چه می یابی روز رستخیز قیامت است آن
آنچه مقربان هم از کمال جلالت چون بید بر خود لرزند و صدای نفسی نفسی بلند کنند کسی را
کسی نپرسد یوم یفر المرء من اخیه و صاحبته و بنیه کیفیت آن یوم مشهود هست و نفوذ
فرامین قهاری و احکام جاری خذوه فغلوه ثم الجحیم صلوه در آن روز موعود است
پس در آن دم اگر ملاذی بینی که از سر شفقت ترا آغوش رحمت کشد و از شداید غموم و
موارید هموم وارهاند چه قدر ممنون احسان ها و فراوانش کرم های بی پایانش خواهی شد پس
ای برادر کثرت درود همان ملاذ ست که ترا بقرب حضرت خاتم رسالت پناهی بخشد و
مثلاً چون ترا در داهیه عظیمه ببیند ارشاد کند ع که بیا بیا عراقی تو از آن خاص مائی + از ینجا ست
که فرمود آن رسول مکرم صلی الله علیه و آله وسلم من صلی علی محمد و قال اللهم انزله المقعد المقرب
عندک یوم القیامة وجبت له شفاعتی یعنی هر که بر من درود بفرستد و بگوید اللهم انزله
المقعد المقرب عندک یوم القیامة شفاعت در بر من واجب گردد و معنی این
جمله این ست که یارب در جای مقرب نزد خود که مقام محمود ست آنحضرت را صلعم بنشانی
فضیلت این جمله دیده باید که بروز لا یجزی نفس عن نفس الخ و یوم لا یسئل
حمیم الخ پیش خداوند ذو الجلال عذر خواه تو باشد و در خلد برین که بوصفش جنات
تجری من تحتها الانهار و در ذکر خدامش ولدان مخلدون
و حور مقصورات فی الخیام واقع ست ترا سکونت دوامی

باعیش وکامرانی بخشد - وفرمود آن رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم صلوا علیّ فان
صلوتکم تبلغنی حیث کنتم یعنی درود بر من بفرستید که درود شما نزدم میرسد
از هر کجا که باشید - یعنی حجاب قرب وبعد چیزی نیست که مانع وصول صلوة باشد در روم
باشید یا در شام در هند باشید یا در چین از هر کجا که هدیه درود فرستید نزدم میرسد وفرمود
انّ لله ملٰئکة سیاحین فی الارض یبلغون من امتی السّلام -
یعنی ملائکه سیاحین از حضرت حق مقرراند که اگر کسی بر آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم سلام رساند
بحضرت او می برند وفرمود ما من احد یسلم علیّ الا رد الله علی روحی حتی ارد
علیه السّلام - حاصلش آنست که هرگاه کسی بر من سلام بفرست مرا آگاهی می شود
من جواب سلام او میدهم - ای برادر چون در مضامین این احادیث تامل را کار دهی از فرط
شوق وکثرت ذوق در جامه نگنجی یعنی چون شغف تام وبخلوص بالا کلام از زبان اللّٰهم
صل علی محمد وآله وسلم گفتی اوّل از حضرت باری تعالی بر تو ده رحمت نازل شد
وده گونه ترا ترقی مدارج کردند وده خطاء ترا نابود فرمودند وباز ملائکه سیاحین این هدیه
صلوة وسلام ترا پیش حضرت خاتم الرسالت بردند وگفتند یا رسول الله یکی از گنهگاران امت
شما سلیمان بن داؤد بر تو صلوة وسلام میرساند آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم بخوشنودی
جواب سلام فرمودند - الله الله بالاتر ازین سعادت وافتخار کدام سعادت واعزاز است
که ذکر من در حضور حضرت جا یافته ؎ ذکر میرا مجھ سے بہتر ہے جو اس محفل میں ہے + ودر جواب
بسلامتی مرا یاد فرمودند ؎ من واین رتبه از کجا لیکن + مور پرورده سلیمان است +
واین سلامتی که در علیک السّلام ارشاد شد صد سلامتی بروی فداست اگر بحسن قبول
سلامم بسلامتی مرا یاد کردند بادیگر سلامتی کاری ندارم ؎ بهر سلام مکن رنج در جواب
آن لب + که صد سلام مرا بس یکی جواب از تو + ای برادر من روسیاه وذکر سلامتی من
بحضرت رسالت جای حیرت واعجب عجاب ست ؎ صلاح کار کجا ومن خراب کجا +

ببین تفاوت ره از کجاست تا بکجا + معهذا چندان حیرت و فراوان عبرت در خیالی فانی
می شود که گفته اند ؎ چو کحل بینش ما خاک آستان شماست + کجا رویم بفرما ازین
جناب کجا + و نیز فرموده اند ؎ که مستحق کرامت گناه گارانند + و در فضائل صلوة
و سلام علمای محدثین صلحای کاملین توالیف کثیره کرده اند بغور و تامل معائنه کنی و هر قدر که
ترا فرصت دست دهد اوقات عزیز خود را در تکبیر و تهلیل و تسبیح و تحمید حضرت سبحانه تعالی
و صلوة و سلام بحضرت خاتم الرسالت بسر بری تا آنکه در کثرت درود شریف جاذبه عشق بوی
ترا بخود کشد و محبت سنن و اقوال و افعال او دست دهد بهاندم سزاست چو بگوی ؎
ای انضر هر سری و خیال پریوشی + من روز و شب بفکر و خیال محمدیم + و در انوقت زیباست
چو برسرائی ؎ اندر مشام ما نرسد بوی زلف کس + شوریدگان نافه موی محمدیم + بیهوده
کس قدم ننهد در طریق ما + ما سالکان مسلک کوی محمدیم + ای انضر بر تو حال دلم آشکار شد +
کز هر سوی بریده بسوی محمدیم + ای عزیز اگر بکثرت صلوة و سلام مقید باشی از کثرت خشوع و خضوع
مشام خود را از شمیم الفت هوای محالست معطر یابی و بگوئی ؎ ز نسیم جانفزایت دل مرده
زنده گردد + بکدام باغی ای گل که چنین خوشست بویت + و هم از کثرت درود و سلام در منام
بزیارت حضرت خیر الانام شرف سعادت اندوزی و بمضمون من رآنی فقد رای الحق
بخت خوابیده را بیدار کنی ؎ خفته بخت آنکس که در خوابش ندید + و آنکه دیدش دولت
بیدار اوست + و در بند آن نباشی که غیر از ماثوره درود مولفه اکابر دین را اجری نیست که این
وساوس هم سنگ در راه می شود سلف صالحین که بدرجه اتم محتاط و اورع بوده اند بصیغه مقید نبوده اند
و بهر کار و مرام بطبیعه نهج که باشد بذوق و شوق درود میخوانند در ینجا حکایتی یاد آمد
از انجا کثرت ذوق و شوق صحابه توان دریافت در شفاء قاضی عیاض و روضة الاحباب بازاله الخفا
آورده اند که امیر المومنین عمر شبی گذر کرد بخیمه از انجا صدای حزین می آمد ؎ صلی محمد
صلوة الابرار + صلی علیه المصطفون الاخیار

بیان اصل مدعا و اثبات جواز قرأت دلائل الخیرات و درود طریقه وغیره که متشددین آنرا ناجائز و بدعت میگویند عفا الله عنهم وهداهم الی الصواب

قد کنت بکا قوما الاسحار ÷ یا لیت شعری والمنایا اطوار ÷ هل یجمعنی وحبی الدار - گریه بر امیر المومنین غلبه کرد و باواز بلند بگریست و مکرر از گوینده آنرا طلب کرد و مکرر رقت نمود باز گفت عمر را درین ابیات درج نما گفت ؎ وعمر فاغفره یا غفار - در تحفه آورده که گوینده زنی بود که پنبه را ندف میکرد و این اشعار صلوتیه بذوق لقاء آنحضرت میگفت والله اعلم بالصواب - و چون درین روزها چنان قرع صماخم کرد که بعضی از علما و اکثری از عوام قرأت صلوة غیر ماثوره را روا ندارند الفست که تحقیق خود را بزبان قلم باز گویم فاقول و بالله التوفیق شک نیست که درودیکه از آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم منقول ست و زبان مبارک بدان مترنم شده ست اعلی و افضل از آن درودیست که صحابه و تابعین و اولیاء کاملین امتثالاً للامر انشا فرموده اند و بزبان مبارک رسول علیه الصلوة والسلام زبان دیگران را چه نسبت از یجاست که گفته اند ع گر فرق مراتب نکنی زندیقی ÷ آری صیغ صلوة که از متاخرین و متقدمین خلف و سلف منقول شده ست خواندن آن بلا تکلف و تامل جائز ست و امید ترتب آثار سعادت و حصول ثواب و برکت دروی مستحکم است و قول به بدعت او و عدم جواز قرأت محض عصبیت نشده ست و قائلین اگر از زمره علما مید نین اند

مخطی متصور خواهند شد واگر از جماعت جهلاء متشددین اند واجب التعزیر اند که جمعی
کثیر وجم غفیر سلف وخلف را مبتدع انگاشته نعوذ بالله من هذه الهفوات القبیحة
وخرعبیلاتهم العجیبة اما دلائل جواز پس بیش از آن است که بزبان وقلم گفته آید معهذا شمه
از آن بر می نگارم فاقول وبالله التوفیق قال الله تعالی اِنَّ اللهَ
وَمَلٰئِکَتَهٗ یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه
وسلموا تسلیما — یعنی به تحقیق جناب باری وملائکه او بر نبی درود میفرستند شما هم ای
مومنین بروے صلوة وسلام بفرستید پس درین آیه کریمه امر مطلق صلوة وسلام است هیچ
تخصیص الفاظ وصیغه نیست وآنحضرت علیه وعلی آله الصلوة والسلام هم هیچ خاص مقید نفرمود
بلکه در مختلف اوقات صیغ مختلفه ارشاد فرمود در نماز فرمود قولوا اللهم صل علی محمد و
علی ال محمد کما صلیت علی ابراهیم وعلی ال ابراهیم انك حمید مجید اللهم
بارك علی محمد وعلی ال محمد کما بارکت علی ابراهیم وعلی ال ابراهیم انك
حمید مجید ودر بعض احیان فرمود من سره ان یکتال بالمکیال الاوفی اذا
صلی علینا اهل البیت فلیقل اللهم صل علی محمد النبی الامی و
ازواجه امهات المومنین وذریته واهل بیته کما صلیت علی ابراهیم
انك حمید مجید ودر وقتی ارشاد کرد که هر که درود بر من بخواند وبگوید اللهم انزله
المقعد المقرب عندك یوم القیمة شفاعت او بر من واجب ست ودر بعضے
زمانه مطلقا امر فرمود صلوا علی فان صلوتکم تبلغنی وفرمود من صلی علی واحدة
صلی الله علیه عشرا وهیچ الفاظ آن بر زبان مبارك نیاورد پس از معاینه این احادیث
وتعمق نظر در آیه کریمه نیکو مستفاد می شود که از حضرت شارع امر عام ست تخصیص بصیغه نیست وچون
آنحضرت علیه الصلوة والسلام بصیغه خاص تخصیص نفرمود چرا از امتثال امر الهی بوجه عام باز مانیم
ازینجاست که شوکانی مقدام الطائفه در تحفة الذاکرین بعدة الحصن الحصین گفته

له در تفسیر جلالین در تفسیر این آیه کریمه گفته قولوا اللهم صل علی محمد وسلم ۱۲ منه

واما خارج الصلوة فیحصل الامتثال بما یفیده قوله سبحانه ان الله وملئکته یصلون علی النبی
یا ایها الذین امنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما فاذا قال القائل اللهم صل
وسلم علی محمد فقد امتثل الامر القرانی انتهی ومولوی صدیق حسن صاحب بهوپالی در نزل الابرار
آورده قول القائل اللهم صل وسلم علی محمد وعلی ال محمد صلوة یصدق علیها
مطلق الاحادیث الصحیحة فیستحق فاعلها ما ورد من الاثابة علی مطلق
الصلوة الخ۔ واضح تر ازین تقریر بگویم ای عزیز الله تعالی برای دعا فرمود ادعوا ربکم
تضرعا وخفیة وغیر ذلک پس امر فرموده ست برای دعا بخشوع وخضوع واین امر عام است
مقید نیست بصیغه ومنحصر نیست بکلمه وشارع علیه السلام هرچند بصیغه ها واوقات مختلفه وکلمات متنوعه
امر الهی را تعلیم فرمود لیکن مقید بدان نکرد وباز امر را مطلق گذاشت هرکس بهر نهجیکه خواهد بخشوع
وخضوع دعا کند۔ اگر کسی دعا غیر ماثوره کند وبلفظی دیگر مضمونش ادا سازد کسی او را مبتدع
خواهد گفت لا والله لا یتفوه به الا من به جنة وعبس وتولی عن الکتاب والسنة همچنین است
حال درود تا آنکه تخصیصی یافته نشود چرا منحصر در صیغ ماثوره خواهد شد۔ وروشن تر ازین تقریر
میگویم ای برادر اگر در حقیقت صلوة اندکی تامل بری نیکو دریابی که نیست درود مگر دعا یعنی
درخواستن رحمت از حضور حق بحضرت رسالت وصیغ دعا منحصر ومعدود نیست کما مر انفا پس چرا
صیغ صلوة منحصر باشد وما ورا را او بدعت وا در شبه نیفتی که در صحیحین وارد ست که چون آیه کریمه
نازل شد صحابه پرسیدند که چگونه بر شما اهل بیت یا رسول الله درود بفرستیم یعنی از سوال شان
از صلوة را توقیفی فهم نکنی زیرا که این سوال شان در درود نماز بوده ست خود دران حدیث
است که گفتند که کیفیت سلام را دانستیم یعنی در تشهد السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته
وصحابه درود نماز را بر سلام نماز قیاس کرده پرسیدند نه آنکه توقیفی انگاشتند وامام شافعی
در مسند خود از ابو هریره آورده که این سوال درود در نماز بوده ست و امام جزری در
عده حصن حصین از احمد بن حنبل وابن حبان ودار قطنی وغیرهم درین معنی حدیث نقل

کرده است و شوکانی در شرح تصحیح او کرده است اینکه عبارت حدیث اما السلام علیکم فقد عرفناه فکیف نصلی علیکم اذا نحن صلینا علیک فی صلوتنا الخ شوکانی در شرح گفته الحدیث اخرجه الحاکم فی المستدرک و ابن حبان کما قال المصنف وصححه ایضا ابن حبان وقال الحاکم صحیح علی شرط مسلم ولم یخرجاه و اخرجه ایضا احمد و ابن خزیمه فی صحیحه والدارقطنی والبیهقی فیفید ذلک ان هذه الالفاظ المرویه مختصه بالصلوة انتهی مختصرا باز آمدم بر مطلب و تقریر سابق بنهج دیگر بوضوح تمام میگویم — ای عزیز صحابه و تابعین و تبع تابعین حامل لوای سنت و متقفی آثار نبوت بوده اند و برای خیریت زمانه خود بشارتے از مخبر صادق داشته اند و فهم کلام حضرت خیر الانام چنانکه ایشان را میسر بوده است نصیب دیگران لایمکن است مکلف بلسان اردو با اهل لسان چه نسبت و اگر هست همچو نسبت ذره با آفتاب است — پس در صدد آن باید بود که ایشان از آیه کریمه و قول نبوی حصر و تعدد فهمیده اند یا امر را مطلق دانسته اند و چندانکه تفحص را بکار برند توقیف و تخصیص از کلمات شان در نیافتند بلکه برعکس آن صیغ صلوة مسلسله و مرصعه از ایشان بروایت پرداختند — و در خیر القرون معمول بوده است که در بیان حدیث نبوی میگفتند قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم و این جمله از صیغ ماثوره نیست بلکه ایشان آورده اند و محدثین بهمین طور نقل کرده اند مالک عن نافع عن عبد الله بن عمر قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم و کذلک ابحنیفه والشافعی واحمد والبخاری وغیرهم در اسناد می آورند و در شبه نافتی که محدثین این جمله تراشیده اند زیراکه ایشان در سرد الفاظ و کلمات محتاط بدرجه اتم بوده اند معهذا بغیر از نقل این احتمال کفایت نمیکند علاوه ازین اگر این احتمال التسلیم هم کنیم پس از مخترعات خیر القرون بیرون نیست زیراکه ابوحنیفه تابعیست و مالک تبع تابعیست رضی الله عنهما و از امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام و ابن عباس و عبد الله ابن مسعود و دیگر صحابه کرام و از حسن بصری و امام زین العابدین و دیگر تابعین و اتباع ایشان صیغ صلوة بسیاری از بسیار

وبروایت متعدده وطرق متنوعه منقول ہست بسیارے ازان سخاوی در قول البدیع
آورده گفت وروی[له] عن سلامة الکندی قال کان علی بن ابی طالب رضی الله عنه یعلم الناس الصلوة
علی النبی صلی الله علیه وسلم فیقول اللهم داحی المدحوات وباری المسموکات
وجبار القلوب علی فطرتها شقیها وسعیدها اجعل شرائف
صلواتک ونوامی برکاتک ورأفة تحننک علی محمد عبدک ورسولک الخ
اخرجه الطبرانی وابن ابی عاصم وسعید ابن منصور والطبرانی فی مسند طلحة من تهذیب
الآثار وابو جعفر احمد ابن سنان القطان فی سنده وعنه یعقوب بن ابی شیبة
فی اخبار علی وابن فارس وابن بشکوال هکذا موقوفا بسند ضعیف وقد قال الهیثمی
ان رجاله رجال الصحیح لکن اعله بان روایة سلامة عن علی مرسلة انتهی وقال السخاوی
ولکن الکندی عرفه ابن حبان وذکره فی کتاب الثقات وقال انه یروی عن علی وعنه
نوح بن قیس قاله الزرقانی انتهی مافی نزل الابرار ودر مواهب لدنیه وشرح اوست
وقال الشیخ الحافظ ابو الحجاج المزی سلامة الکندی هذا لیس بمعروف ولم یدرک علیا فهو
منقطع وعبر عنه السخاوی بمرسل بناء علی انه ماسقط منه مارا وکذا قال تبرانه لابن حبان عرفه
وذکره فی کتاب الثقات وقال انه یروی عن علی وعنه نوح بن قیس انتهی ــ چھاپہ مصر ص ۲۱۵
مختصر گویم پس روایت سلامة کندی از امیر المومنین مولوی صدیق حسن صاحب بهوپالی
در نزل الابرار ثابت کرده اند علاوه ازین مراسیل نزد ما حجت ہست حاجت چندان
تفتیش نیست وہم در فضائل اعمال وغیرہا وسعت بسیار ہست ونیز سخاوی گفته
وعن ابن عباس رضی الله عنهما انه کان اذا صلی علی النبی صلی الله علیه وآله وسلم قال اللهم
تقبل شفاعة محمد الکبری وارفع درجته العلیا واعطه سوله
فی الآخرة والاولی کما اتیت ابراهیم وموسی رواه عبد ابن حمید فی
سنده وعبد الرزاق واسمعیل القاضی واسناده جید قوی صحیح انتهی ودر مواهب لدنیه

له این درود شریف از حضرت علی علیه السلام بر آنجناب منقول شده ومشهور است که مولانا شاه عبد العزیز دهلوی در تحفه اثنا عشریه آورده که حضرت امیر المومنین در صفت درود در خطب اما سید مهر ... عبارت ... اللهم داحی المدحوات الخ ۱۲ منه عفی عنه

و شرح اوست بعد نقل این حدیث قال ابن کثیر و اسناده جید قوی فهو صحیح انتہی وهم در وی است
عن الحسن هو البصری کان اذا صلی علی النبی صلی الله علیه وسلم یقول اللهم اجعل صلواتک
و برکاتک علی آل محمد کما جعلتها علی آل ابراهیم انک حمید مجید
رواه النمیری قاضی عیاض در شفا گفته و عن ابن مسعود انه کان یقول اذا صلیتم علی
النبی صلی الله علیه وسلم فاحسنوا الصلوة علیه فانکم لا تدرون لعل ذلک یعرض علیه و قولوا سنن ابن ماجه ص ۱۲
اللهم اجعل صلواتک و رحمتک و برکاتک علی سید المرسلین و امام
المتقین و خاتم النبیین محمد عبدک و رسولک امام الخیر و قائد
الخیر و رسول الرحمة اللهم ابعثه المقام المحمود یغبطه فیه
الاولون والاخرون الخ سخاوی در قول البدیع بعد نقل هر دو طریق
این حدیث و پس از بیان مخرجین ان گفته والمعروف انه موقوف کذلک اخرجه ابن ماجه
فی سننه والطبری فی تهذیبه و عبد فی مسنده والبیهقی فی الدعوات الخ و اگر زیاده ازین
روایات خواهی کتاب شفاء قاضی عیاض و قول البدیع سخاوی مطالعہ کن نیکو خواهد آمد
خواهد شد که سلف و خلف چه قدر انشاء صیغ صلوة کرده اند اما محدثین و عرفاء کاملین
متاخرین و متقدمین انچه انشا کرده اند شرحش بزبان قلم دشوار است اندکی از بسیار
این است امام شافعی رضی الله عنه به کمال شوق این صیغه انشاء فرمود اللهم
صل علی محمد عدد ما ذکره الذاکرون و عدد ما غفل عن
ذکره الغافلون و این صیغه در درود رابعه از مسند شافعی که از اهتمام مولوی ابراهیم صاحب
آروی چاپ شده است موجود است و سخاوی در قول البدیع بعد بیان مقبولیت این درود شریف
و روایت نمیری گفته و کذا روی عن المزنی انه قال رایت الشافعی فی المنام بعد موته فقلت له
ما فعل الله بک فقال غفر لی بصلوة صلیتها علی النبی صلی الله علیه وسلم فی کتاب الرسالة وهی اللهم
صل علی محمد کلما ذکره الذاکرون و صل علی محمد کلما غفل عن ذکره الغافلون

له در انجاح الحاجة حاشیه ابن ماجه آورده ذو قول ابن مسعود دلیل علی افضلیة الذکر ... ان یعرض الصلوة ... فی المعانی ... فی الصلوة ... فی الصلوة و ... احسنها ۱۲ منه

وفی لفظ البیہقی فی المناقب والتیمی فی الترغیب عن ابی الحسن الشافعی قال رایت النبی صلی اللہ
علیہ وسلم فی المنام فقلت یا رسول اللہ بما جزی الشافعی عنک حیث یقول فی کتاب الرسالۃ
وصل اللہ علی محمد کلما ذکرہ الذاکرون وغفل عن ذکرہ الغفلون فقال جزی عنی انہ لا یوقف
للحساب الخ وصیغہ صلوۃ منشئہ علما زاہدین برخی در نزل الابرار مولوی صدیق حسن صاحب
بھوپالی موجود ہست وطبرانی کہ از اکابر علما حدیث ہست این صیغہ انشا کردہ اَللّٰھُمَّ
صاحب معاجم ۱۲
لک الحمد بعدد من حمدک ولک الحمد بعدد من لم یحمدک ولک الحمد
کما تحب ان تحمد اللّٰھُمَّ صل علی محمد بعدد من صلّی علیہ وصل علی محمد
بعدد من لم یصل علیہ وصل علی محمد کما تحب ان یصلی علیہ - گفت کہ
این را در منام بحضرت سید انام علیہ افضل الصّلوۃ والسّلام خواندم آنحضرت باستماع آن تبسم شد
تا آنکہ نواجذ شریف ظاہر شد واز ثنایای شریف وی نور ظہور نمودہ صلی اللہ علیہ وسلم انتہی
نقلا عن جذب القلوب - وجلال الدین سیوطی کہ مقدام متاخرین اہل حدیث ہست این صیغہ
انشا فرمودہ ہست وہو ہذا اَللّٰھُمَّ صل علی سیدنا محمد ن النبی الامی الحبیب
العالی القدر العظیم الجاہ وعلی الہ وصحبہ انتہی نقلا عن نزل الابرار - ازینجا
تقریر یار باسلوب دیگر بنہج اخر بغایت اختصار وحسن اختصار بہر تشیید اصل مدعا کردہ می آید
ای عزیز در سند السعادات وجذب القلوب می آرد کہ در حدیث آمدہ ہست اذا صلیتم علی
الشیخ عبد الحق المحدث ۱۲
فاحسنوا الصّلوۃ وبعضی از مفسران در تفسیر این آیت گفتہ اند وقولوا للناس
حسنا مراد بناس محمد ہست صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم ومراد بقول حسن صلوۃ بر ویست وسدی
کہ از علما تفسیر ہست از جماعۃ صحابہ وغیر ایشان رضی اللہ عنہم نقل کردہ کہ ہر کرا حق سبحانہ تعالی
بیان شافی وقوت تعبیر از معانی صحیحہ بالفاظ فصیحہ عطا کند وبدان اظہار آیات شرف وعظمت
نبوی بانشاء صلوۃ تسلیمات مصطفوی نماند واز سالکان این مسلک سنی وعارفان قدر این نعمت
نمی گردد وار ممتثلان این امر عالی خواہد بود انتہی ازینجاست کہ علماء ابرار وفقہاء اولی الابصار

محدثین و متصوفین با جمعهم ابتدای تصانیف خود را بحلیه تحمید و صلوة مرصع و مرتب میکنند بازچه اگر دامن پاک ایشان بقدر بدعت ملوث شد پس اعتماد از اهل اسلام برخواست انا لله وانا الیه راجعون طرفه انست که طائفه مقدمهم بدعت اختراع بهایان شرکت ورزند خطبه اسفار مولفات شیخ ابن تیمیه و مولفات ابن قیم و ابن الهادی و علامه شوکانی و مولوی صدیق حسن صاحب بهوپالی نیکو معائنه فرمایند که در صلوة صیغ ماثوره آورده اند یا جملات تکلفیه از خود تراشیده اند ؎ شادم که از رقیبان دامن فشان گذشتی ✤ گو مشت خاک ماهم بر باد رفته باشد ✤ این هست اندکی از موج خاطرم که هر آن تموج گوناگون دارد و بجدا که درین تحریر از سر جفا نیت گذشته باشم هرچه گفتم حق میدانم و بر همان میرم و بر همان مانم و از موافقت و مخالفت کسی خود را نرنجانم بقول مرزا وصال ؎ خودبینی و خویشتن پرستی رسمی است که در دیار ما نیست ✤ اما کتاب دلائل الخیرات پس مجموعه صلوة ست عظیم النفع کثیر الفایده در قبولیت و حصول برکت مثلش ندارد حدیثا و قدیما و علما محدثین بقرات و استنادش شرف سعادت اندوخته اند و صوفیه کاملین در مناجات قبولیت و مراد دریافته اند در **کشف الظنون** نوشته هذا الکتاب ایة من ایات الله فی الصلوة علی النبی صلی الله علیه وسلم یواظب بقراته فی المشارق والمغارب لاسیما فی بلاد الروم انتهی - و علماء متدینین بروی شرح و حواشی نگاشته اند و حضرت شاه ولی الله محدث ذکر خوبی او در تفهیمات الالهیه کرده و مولوی صدیق حسین صاحب بهوپالی آن را اسناد کرده کما قال فی الاتحاف ذکره فی ثبته و قرات او را از بدعات شمردن و حرام دانستن نیست الا ضلالت - ای عزیز جزولی علیه الرحمه مصنف نیست بلکه مولف هست

سید محمد بن سید سلیمان جزولی صاحب الدلائل ۱۲

و نیست در وی الا صیغ صلوة ماثوره عن النبی صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیته العظام و اصحابه الکرام و التابعین و صلحاء امته و المحدثین و خود مولف کتاب سه یا پنج صیغه انشاء کرده هست و بس پس طعن کردن بران کتاب بالاجمال گویا طعن در احادیث نبوی و اقوال صحابه کرام است نعوذ بالله من ذلک و آنچه در **اتحاف النبلاء** آورده و لیکن سید علامه امام العصر

مولفه نواب معزول بهوپال دام مجده ۱۲

له [illegible] … کما لا یخفی

محمد بن اسمعیل امیر یمنی را نظمیست در مدح حدیث مشتمل بر چند فصل در فصلی ازان حکم بتحریق
دلائل الخیرات کرده الخ غیر از عصبیت و صلابت نیست زیرا که سوزانیدن دلائل بچه جرم است
اگر همین است که در وی احادیث ضعیفه و روایات موضوعه آورده ست پس اوّل کتب احادیث
غیر از صحیحین بالخصوص معجم طبرانی و سنن دارقطنی و کتب بیهقی و غیرهم بسوزانند که در وی موضوعات
وضعاف توده توده انبار کرده اند علاوه ازین آنچه که در وی ازین قبیل روایات ست در فضائل
صلوة است کسی او را نمی خواند و داخل حزب نیست حالا گر موجب احراق محض تبویب و تالیف صلوة
نیست پس در حرق مجموعه کتب احادیث و بالخصوص حصن حصین جزری معاذ کا با امام تودی و شفاء
قاضی عیاض را شرکت پس ضرورت و بلسان ایشان این شعر خواندن بسیار انسب است ؎
بجز این گنه ندارم که محب مهربانم + بچه جرم دیگر از من سر انتقام داری + و پوشیده مباد که حکم
تحریق دلائل از امیر محمد اسمعیل خیلی جای تعجب نیست که از زبان مبارک شان دیگر بزرگان هم کلمات
سخیفه شنیده اند در سبل السلام تراویح را بدعت عمری گفته و نوشته که هیچ بدعت
حسنه نیست و امیر موصوف همانست که اوّل باستماع صیت جلالت شیخ اهل نجد از ذوق
و شوق نامه فرستاد و باز از مدح و منقبت شیخ موصوف و ارسال عریضه خود حسرتها نمود مطلع
قصیده مدحیه اینست ؎ سلام علی نجد و من حل بالنجد + وان کان
تسلیمی علی البعد لا یجدی + و مطلع قصیده حسرتیه رجوعیه اینست رجعت عن
النظم الذی قلت فی النجدی فقد صح لی عنه خلاف الذی عندی و بعد ازین شعر گفته
وقد جاء من تالیفه برسائل + یکفر اهل الارض علی عمد الخ و آنچه که در
نزل الابرار گفته که در دلائل الخیرات و غیره یا قند بل عرش الله واقع هست طرفه تماشا
مولوی سید صدیق حسن صاحب بهوپالی رحمه الله تعالی ١٢
است چندین هزار کسان ورد ش علی سبیل الدوام دارند و این حلیه عجیبه با در وی نیابند و
مولف نزل الابرار بیک نگاه و نقل حکم احراق بچه گونه معاینه فرموده حق آنست که اینچنین کلمات
ناشی از کمال عصبیت و عدم تدبر است عفا الله عنا و عنهم اجمعین و رزقنا و ایاهم اتباع سنن سید المرسلین

وفقها بمخرج [illegible]
بود درست که ازین [illegible]
عربی [illegible] که خلفاء [illegible]
[illegible]
آورده که در [illegible]
هیچ در در [illegible]
گفته و من [illegible]
بقول الحمد لله رب العالمین [illegible]
[illegible]
الایمان [illegible]
کلما ذکره الذاکرون و کلما غفل عن ذکره الغافلون [illegible]
است [illegible]
وان [illegible]
ابن [illegible]
[illegible]
والله اعلم بالصواب ١٢ منه
× ×

هذا اخر ما اردنا ايراده فی الجواب مغمضًا عن المباحث التی هی ظاهرة الذی اولی الالباب فانّ علی جواز قراءة الدلائل وغيرها دلائل جمة كثيرة وبراهين واضحة عزيزة لايمكن احصاؤها ولا يرام استقصاءها وفی هذا القدر كفاية لمن له درايه وانا العبد الضعيف محمد سليمان القادری الفلواری كان الله له ✣ ✣ ✣

اين كتاب مجمع خيرات وجامع بركات را بتمامه ديدم انچه كه دران مولانا المحقق المدقق العالم العامل الفاضل المولوی محمد سليمان صاحب محدث تحرير فرمودند عين حق وحامل هادی خيرست قد اصاب الحق فيما قال فجزاه الله خيرا فقط

وانا العبد الضعيف نوازش كريم غفرله الله

الحمد لله حمدًا كثيرًا كما امر واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وحبيبه سيد الملك والجن والبشر - واصلی عليه وعلی آله وصحابه بعدد كل شجر وحجر ومدر - اما بعد سبحان الله كه اس زمانِ قبح حيت نشان مين ايك شاهد طناز شوخ دلنواز سراپا انداز رشك بهشت غيرت ماه وخورشيد نے طرفہ غنج ودلال سے منصۂ شهود پر جلوه فرمايا ہے اور ايك عالم كو اپنی پياری پياری اداؤن اور عجيب وغريب كرشمون كا محو نظاره بنايا ہے - چشم تحقيق كو حيرت ہے اور ديدۂ تدقيق كو حيرانی ہے كہ خدايا يہ جادو ہے يا طلسم ہے يا كوئی گل نورانی ہے كيسی جازت تحرير وسلاست تقرير ہے بلاغت مين كيا فصاحت مين بے نظير ہے - اگر انصاف پسندونكی اس سے عيد ہے تو متعصبون ونفس پرستونكی وعيد شديد ہے - عمائد علما مين سكی بيد وا ديد ہے - يہ وه گل ہے كہ جسكی ديد ہی نہ شنيد ہے - اگر اہل بصيرت كے لئے درمقصود كی كليد ہے توكور چشمان بے بصيرت كے لئے خورشيد ہے جس سے واقف ہر شيخ وكہل شاب ووليد ہے - جن حضرات كے صيغ درود مين قيل وقال ہے اونكے حق مين يہ مقال باعث نكال وموجب بال ہے - كيا معنی كہ جو شخص صيغ درود كو صلوة ماثوره كے ساتھ مخصوص جانتا ہے اور غير ماثوره كو بدعت شرعی قرار ديكر رد كرتا ہے وه اصل مين وه بڑا ہی تبہ كار اور خسران مآل ہے - ليس عليه بالتخصيص وعدم التعميم اثارة من علم فاتوا برهانكم ان كنتم صادقين [illegible] ہے اون كج فهمان ناهنجار پر جو اس زعم فاسد وظن كاسد مين تركِ كتاب دلائل الخيرات كو (جو باعث هزاران هزار خير وبركت ہے اور جسے لاكهون اوليا ء الله اور علماء ظاهر وباطن نے تلقی بالقبول كيا ہے) سو ظنی ٹهرائين اور آيہ وافی هدايہ ذوقوا عذاب الحريق شئ شرطين